## مقاله

### مقاومت مردم ایران و زوال قدرت امریکا



عباس حاجی‌نجاری
کارشناس سیاسی

زوال قدرت سخت نظامی و قدرت نرم بین‌المللی امریکا، از محورهای کلیدی مورد تأکید رهبر معظم انقلاب در پیام معظم‌له به مناسبت ۱۳آبان ماه و روز ملی مبارزه با استکبار جهانی است. معظم‌له در این پیام، این روز را نماد صف‌آرایی جبهه حق در مقابل جبهه باطل خواندند و بر شفاف‌تر شدن تکلیف ملت ایران با امریکای جنایتکار تأکید و خاطرنشان کردند امروز در اثر رسوایی خودساخته مستکبران، قدرت و سلطه رو به زوال امریکا در هر دو بعد قدرت سخت نظامی و قدرت نرم بین‌المللی دچار سقوطی برگشت‌ناپذیر شده و روند فروپاشی آن تسریع گردیده است.

زوال قدرت امریکا با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده است، اما شکست امریکا در دو جنگ تحمیلی اخیر از مردم ایران، به رغم برنامه‌ریزی چندین ساله سران کاخ سفید و تمهید مقدمات لازم، علاوه بر تحمیل بزرگ‌ترین شکست بر این به اصطلاح ابرقدرت جهانی، ماهیت پوشالی قدرت استکبار جهانی را به رخ جهانیان کشید. این نکته‌ای است که بعد از شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات اخیر، علاوه بر رسانه‌ها، حتی در کلام مسئولان امریکایی نیز بر آن تصریح شده است، به گونه‌ای که ترامپ در گفت‌وگو با فاکس نیوز با اشاره به پیامدهای شکست امریکا در این جنگ اعتراف می‌کند که جنگ با ایران و پیامدهای اقتصادی آن، از جمله افزایش قیمت بنزین، در شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای نقش داشته است.

جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور امریکا، نیز با اشاره به اینکه نتیجه جنگ با ایران دلیل شکست جمهوری‌خواهان بود، به چند دلیل برای آن اشاره می‌کند که ادامه جنگ علیه ایران و پیامدهای آن در افزایش قیمت‌ها و بی‌توجهی ترامپ و جمهوری‌خواهان به مسئله هزینه‌های زندگی آن‌ها، حمایت از رژیم صهیونیستی و نیاز به تأکید بیشتر بر رویکرد «اول امریکا» از دلایل اصلی آن است.

بدیهی است که اگر امریکا و رژیم صهیونیستی به اهدافشان در این دو جنگ دست یافته و به پیروزی رسیده بودند، نه جمهوری‌خواهان در انتخابات شکست می‌خوردند و نه نیاز بود که ترامپ و ونس این‌گونه به سقوط قدرت امریکا اعتراف کنند. نکته‌ای که از دید نشریه امریکایی «فارن افرز» نیز دور نمانده و در یادداشتی در روزهای اخیر اعتراف می‌کند که جنگ با ایران، شکستی استراتژیک بود. این نشریه امریکایی تأکید می‌کند که «امریکا و اسرائیل نشان دادند که پس از هشت ماه جنگ و فشار، نتوانستند به اهداف کلان از جمله تغییر حکومت، نابودی برنامه هسته‌ای ایران یا حتی بازگشایی تنگه هرمز دست یابند».

دشمنانی که در این جنگ وقیحانه به دنبال تجزیه کشور، زانو زدن ملت، فروپاشی نظام و نابودی تمدن اصیل و کهن ایران بوده و البته در تمام مراحل خصومت‌ورزی با مردم ایران و به ویژه در جنگ تحمیلی سوم، با دیوار محکم واقعیت میدانی و صخره‌های استوار اراده ملت غیور ایران مواجه شده و نتیجه محاسبات غلط و توهمات استکباری‌شان را در سبد هزینه‌هایی سنگین بر دوش مردم امریکا و حکومت‌های دست‌نشانده دولت امریکا گذاشته‌اند. اکنون ناچارند زوال قدرت سخت و نرم امریکا را در این جنگ به شماره بنشینند.

در حوزه قدرت سخت، جنگ امریکا علیه مردم ایران توانایی نظامی امریکا را به شدت فرسوده، اعتبار بین‌المللی آن را تضعیف، موقعیت سیاسی داخلی را بدتر و اقتصاد جهانی را مختل کرده است و به قول اوباما، رئیس‌جمهور اسبق امریکا، ایران را دارای حق وتو در تنگه هرمز کرده است. جلوه‌های دیگر زوال قدرت سخت امریکا عبارت‌اند از:

- امریکا در جنگ اهدافی مانند تغییر نظام، نابودی توانمندی‌های راهبردی یا وادار کردن ایران به تسلیم را دنبال می‌کرد، اما تجربه نشان داد که حتی پس از بمباران‌های شدید، این اهداف محقق نشده و ایران با اتخاذ استراتژی «جنگ منطقه‌ای» توانست هزینه‌های امریکا را به شدت افزایش دهد.
- شکست توهم برتری نظامی امریکا به رغم برخورداری از بزرگ‌ترین ارتش جهان و برخورداری از پیشرفته‌ترین و مجهزترین تجهیزات و تسلیحات روز جهان.
- جنگ با ایران به سرعت ذخایر مهمات دقیق امریکا را تخلیه کرد. این واقعیت، توانایی امریکا برای پاسخ به بحران‌های همزمان در سایر نقاط جهان را به شدت کاهش داده است.
- طولانی شدن مدت مأموریت نظامیان امریکا در دریا و به ویژه از دست دادن پایگاه‌های منطقه‌ای و ناتوانی در پشتیبانی مؤثر از آن‌ها، روحیه نظامیان امریکایی را به شدت کاهش داده که میزان خودکشی‌ها در ناو آبراهام لینکلن حتی در گزارش‌های رسمی در کنگره امریکا مورد توجه قرار گرفته است.
- عدم تجربه هگست در وزارت دفاع و تصمیمات نامناسب کاخ سفید، اعتراض ژنرال‌های امریکایی را در پی داشته و همین امر سبب شکاف در سطوح فرماندهی و برکناری‌های گسترده در سطوح فرماندهان نظامی شده است و این روزها حتی جمهوریخواهان کنگره در پی استیضاح و برکناری هگست هستند.
- پایگاه‌های امریکا در منطقه غرب آسیا که امریکا طی چند دهه اخیر برای ایجاد آنها ده‌ها میلیارد دلار هزینه کرده بود، در این جنگ یا نابود شده یا اینکه به شدت آسیب دیده‌اند. این امر سبب ایجاد مشکلات جدی برای عملیات یا پشتیبانی نیروهای امریکا در ناوهای مستقر در منطقه شده است.
- ایران با استفاده از پهپادها، سامانه‌های پدافندی متحرک و شبکه‌های توزیع‌شده، توانست با «دفاع نامتقارن» هزینه‌های عملیاتی سنگینی را بر امریکا تحمیل کند.
- افزایش قیمت نفت و بنزین ناشی از جنگ، مستقیماً بر معیشت مردم امریکا تأثیر گذاشته است و بحران اقتصادی و سیاسی داخلی را بر این کشور تحمیل و نتیجه انتخابات اخیر محصول آن است.

اما در عرصه قدرت نرم بین‌المللی امریکا، هزینه این رژیم کمتر از قدرت سخت نبوده که جلوه‌های آن نیز به قرار زیر است:

- تسریع روند افول قدرت امریکا و از دست دادن مشروعیت مورد ادعای سران این رژیم به عنوان رهبر جهان و سقوط شدید امریکا در افکار عمومی جهانی.
- اوج‌گیری نفرت جهانی علیه صهیونیست‌ها به ویژه در درون امریکا، به رغم سرمایه‌گذاری ده‌ها ساله غرب برای احیا و تثبیت موقعیت صهیونیزم جهانی؛ به دلیل این تنفر، ترامپ ناچار شده است در روزهای اخیر دستور قطع کمک نظامی امریکا به رژیم صهیونیستی را صادر کند.
- برخلاف جنگ‌های گذشته، این درگیری از حمایت بین‌المللی گسترده‌ای برخوردار نبود و عدم اجماع جهانی، هزینه‌های سیاسی و اقتصادی این جنگ را برای واشنگتن افزایش داده است.
- شکست در مقابل ایران، تصویر امریکا به عنوان یک قدرت «غیرقابل اعتماد» و «ناتوان در به پایان رساندن کارها» را تقویت کرده است. این امر متحدان منطقه‌ای امریکا را وادار کرده است تا برای امنیت خود به فکر راه‌های جایگزین باشند و به تدریج از واشنگتن فاصله بگیرند.
- فروپاشی اعتبار امریکا؛ داده‌های مراکز نظرسنجی بر کاهش جذابیت ایالات متحده در جهان تأکید می‌کنند. یک کارشناس مؤسسه بروکینگز تأکید کرده است که جنگ غزه و ایران به طور کامل «ادعای اقتدار اخلاقی یا هنجاری» ایالات متحده را از بین برده است.
- با توجه به تبعات جنگ گذشته برای دیگر کشورها و خصوصاً کشورهای منطقه و نگرانی آنها از پیامدهای عملیات متقابل ایران در یک جنگ جدید، سبب مخالفت آنها با عملیات جدید امریکا شده است.
- ترامپ با بی‌اعتنایی و نقض قوانین بین‌المللی و خروج از توافق‌نامه‌های بین‌المللی و کاهش کمک به نهادهای بین‌المللی، موجب انزوای دیپلماتیک امریکا در جهان شده است.

گزارش

# موشک‌ها تا هرجا

## سردار محبی: موج بعدی نبرد میدان رونمایی از شگفتی‌های ایران است



میثم علاقمندان | ایرنا

**سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اعلام برداشته شدن محدودیت برد موشک‌های ایران تأکید کرد که نیروهای مسلح برای پاسخ به هرگونه تهدید، محدودیت جغرافیایی ندارند. سردار محبی با تشریح دستاوردهای راهبردی نیروی هوافضا، از تداوم تولید موشک و پهپاد در تأسیسات زیرزمینی حتی زیر بمباران دشمن، ناکامی سامانه‌های پدافندی پیشرفته امریکا و سرنگونی بیش از ۲۶۰ هدف هوایی خبر داد که در صورت وقوع موج بعدی نبرد، سامانه‌ها و توانمندی‌های جدیدی در میدان عملیات رونمایی خواهد شد.**

سردار محبی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در نشست خبری به مناسبت هفته هوافضای سپاه، در تشریح دستاوردهای این نیرو در حوزه‌های موشکی، پهپادی، پدافندی، جنگ الکترونیک و فناوری فضایی با اشاره به توان نفوذ موشک‌های ایرانی از لایه‌های پدافندی مدرن دشمن گفت: موشک‌های نقطه‌زن ایران با برخورداری از فناوری‌های پیشرفته، سرعت بالا و مانورپذیری دقیق، سامانه‌های پدافندی نظیر «تاد» را ناکارآمد کردند و تجهیزات سامانه «پاتریوت» نیز در مقابله با پرتابه‌های ایرانی با ناکامی مواجه شدند. محبی فناوری کاهش سطح مقطع راداری و رادارگریز کردن موشک‌ها و پهپادها را از دیگر دستاوردهای هوافضای سپاه دانست و افزود: موشک‌های بالستیک و نقطه‌زن ایران توانسته‌اند از شبکه‌های پدافندی تودرتو عبور کنند و اهداف تعیین‌شده را با دقت منهدم سازند.

■ **سرنگونی بیش از ۲۶۰ هدف هوایی دشمن**

سخنگوی سپاه با اشاره به رشد توان پدافندی این نیرو پس از تحولات دفاعی اخیر اظهار کرد: در جریان درگیری‌های دفاعی اخیر توانستیم افزون بر ۲۶۰ فروند از اهداف هوایی دشمن را سرنگون کنیم. وی گفت: این آمار شامل جنگنده‌های F-16، F-18، F-35 و F-15 و پهپادهای راهبردی و شناسایی از جمله MQ-1، MQ-9، RQ-4، اوربیتر، لوکاس و سایر ریزپرنده‌هاست. این آمار صرفاً مربوط به عملکرد پدافندی نیروی هوافضای سپاه است و جدا از عملکرد نیروی هوایی ارتش ثبت شده است. محبی همچنین از به دست گرفتن کنترل هفت فروند پهپاد شناسایی MQM-170 دشمن خبر داد و گفت: متخصصان جنگ الکترونیک سپاه در هفته‌های اخیر توانستند این پهپادها را به‌طور کامل در اختیار بگیرند و سالم به زمین بنشانند.

■ **تولید موشک در شهرهای زیرزمینی**

سردار محبی تداوم تولید تسلیحات حتی زیر بمباران سنگین دشمن را از دستاوردهای مهم نیروی هوافضا برشمرد و تصریح کرد: تاب‌آوری صنایع موشکی و پهپادی کشور به سطحی رسیده است که امکان ادامه ساخت سلاح در شرایط حمله و بمباران نیز فراهم شده است. محبی تصریح کرد: رزمندگان ما توانستند شلیک‌های برنامه‌ریزی‌شده و پیوسته خود را علیه اهداف و سرمایه‌های نظامی دشمن به اجرا درآورند، بدون آنکه هجوم هوایی حریف بتواند در سازمان رزم و اراده آتش ایران وقفه‌ای ایجاد کند که این استقامت عملیاتی، برتری موازنه قدرت و غلبه نهایی در میدان را تثبیت کرده است. وی افزود: همان‌طور که شهرهای موشکی برای نگهداری، دفاع و پرتاب ایمن موشک‌ها ایجاد شده‌اند، خطوط تولید موشک و پهپاد نیز به اعماق زمین و تونل‌های زیرزمینی منتقل شده‌اند تا چرخه تأمین قدرت دفاعی در هر شرایطی پایدار بماند. سخنگوی سپاه با اشاره به محاسبات دشمن درباره تعداد موشک‌های شلیک‌شده اظهار کرد: دشمن تصور می‌کرد با شمارش موشک‌های شلیک‌شده می‌تواند زمان پایان ذخایر دفاعی ایران را تخمین بزند، اما از این موضوع غافل بود که تولید موشک و پهپاد در تأسیسات زیرزمینی ادامه دارد و فرایند ساخت همگام با عملیات پیش می‌رود.

■ **از خودکفایی تا صادرات تجهیزات دفاعی**

محبی پیوند دانش دانشگاهی با صنایع دفاعی و تولید انبوه تجهیزات نظامی را از دیگر دستاوردهای هوافضای سپاه دانست و گفت: موشک‌های بالستیک، پهپاد ۳۵۸ و سامانه پدافند هوایی متحرک سوم خرداد از جمله محصولاتی هستند که متقاضیان بین‌المللی دارند و به بازارهای صادراتی عرضه می‌شوند. وی با تأکید بر اینکه توان موشکی و تسلیحاتی هوافضای سپاه بر پایه دانش و نبوغ متخصصان ایرانی شکل گرفته است، افزود: این توانمندی‌ها متکی به واردات خارجی یا مهندسی معکوس تجهیزات غنیمتی نیست و نیاز کشور به کارشناسان خارجی، مستشاران نظامی، خرید سلاح و تأمین قطعات یدکی را برطرف کرده است.

سخنگوی سپاه، ارتباط با مراکز علمی، دانشگاهی، پژوهشی و صنعتی را از دیگر دستاوردهای این نیرو عنوان کرد و گفت: تربیت مستمر نیروهای مؤمن، متعهد و متخصص از ارکان اصلی ارتقای توان دفاعی کشور است و نیروی هوافضا با برخورداری از دانشکده‌ها و مراکز آموزشی متعدد، کادرسازی و توانمندسازی نیروی انسانی را دنبال می‌کند. وی ورود مستقل به عرصه فناوری فضایی را نیز دستاوردی راهبردی دانست و اظهار کرد: طراحی و تولید ماهواره‌برها و ماهواره‌های بومی، جهشی در پژوهش‌های علمی فضایی کشور ایجاد کرده است. پرتاب و عملیاتی شدن ماهواره‌برهای قاصد و قائم ۱ و ماهواره‌های نور ۱، ۲ و ۳ از جمله این دستاوردهاست. محبی همچنین ارتقای سرمایه اجتماعی و همراهی مردم با نیروی هوافضا را از پشتوانه‌های پیشرفت‌های دفاعی کشور برشمرد و گفت: پیوند عاطفی و همدلی مردم با رزمندگان این نیرو به بالاترین سطح رسیده است. وی سردار سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه، را نماد پیوند و همبستگی میدان و خیابان توصیف کرد.

■ **شگفتی‌های جدید برای موج بعدی نبرد**

سردار محبی با اشاره به آماده‌سازی سامانه‌های جدید برای مواجهه احتمالی با موج بعدی نبرد گفت: این تجهیزات در صورت وقوع تقابل مجدد، در صحنه عملیات رونمایی خواهند شد و اقداماتی را رقم خواهند زد که موجب شگفتی ناظران نظامی جهان می‌شود. وی افزود: در صورت اقتضا، بخش‌هایی از این دستاوردها در طول هفته هوافضا به‌صورت مقدماتی معرفی خواهد شد، در غیر این صورت، میدان عملیات عرصه رونمایی واقعی از آنها خواهد بود.

سخنگوی سپاه با اشاره به نقش هدایتگر رهبر شهید انقلاب در شکل‌گیری دستاوردهای هوافضا اظهار کرد: راهنمایی‌ها، بازدیدهای میدانی و نظارت‌های مستمر ایشان، مسیر اصلی این تحول بوده است. اعتماد به جوانان و دانشمندان هوافضا و تأکید بر استقلال تسلیحاتی، صنایع دفاعی کشور را به سمت تولید بومی و قطع وابستگی به خرید خارجی سوق داد. محبی ارتقای دقت اصابت و نقطه‌زنی موشک‌های ایرانی را نیز از نتایج این رویکرد دانست و گفت: برد موشک‌ها در مقاطع مختلف و متناسب با مقتضیات زمانی و موازنه‌های راهبردی مدیریت می‌شد.

وی با اشاره به افق‌های نوین ترسیم‌شده در رکاب رهبری خاطرنشان کرد: پیرو بیانات و تدابیر نورانی رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، در دیدار با فرماندهان ارشد نیروهای مسلح، نیروی هوافضا وارد مرحله نوینی از دکترین دفاعی خود شده است؛ پیامی که جان تازه‌ای به پیکره سازمان رزم بخشید و محدودیت‌های جغرافیایی را در پاسخ به تهدیدات از میان برداشت. اکنون آسمان پهناور و فضای بیکران، بدون کوچک‌ترین قید و مرز جغرافیایی، در تسخیر کامل موشک‌ها و تجهیزات دفاعی کشور قرار دارد تا از تمامیت ارضی، هویت تاریخی و تمدن دیرینه ایرانی-اسلامی پاسداری شود. محبی با هشداری صریح به جبهه استکبار تأکید کرد: نیروهای مسلح در انجام فرامین و مأموریت‌های ابلاغی رهبری لحظه‌ای درنگ و کوتاهی نخواهند کرد؛ هر نقطه‌ای که احساس شود کانونی برای تهدید علیه موجودیت جمهوری اسلامی است، هدف مستقیم عملیات نامتقارن قرار خواهد گرفت. امریکا و رژیم صهیونیستی باید بدانند که سیلی‌های پیشین تنها آغاز ماجرا بوده و در صورت هرگونه خطای محاسباتی مجدد، ضرباتی فراتر از تصور و سال‌ها تاوان سنگین نظامی، سیاسی و اقتصادی در انتظار آنان خواهد بود.

■ **محدودیت برد موشکی برداشته شده است**

سخنگوی سپاه همچنین در حاشیه این نشست، درباره اتفاقات جمعه شب گذشته در تنگه هرمز اظهار کرد: شلیک‌هایی داشتیم که بیشتر انفجارها مربوط به شلیک‌های پدافندی بود و اتفاق دیگری در پی نداشت. در جریان این شلیک‌ها یک هواگرد امریکایی نیز مورد اصابت قرار گرفت. وی درباره توان پاسخگویی نیروهای مسلح به تهدیدات دشمن گفت: نبرد ما نامتقارن است و ابزارهای زیادی برای زمین‌گیر کردن دشمن در اختیار داریم. می‌توانیم در نقطه‌ای به دشمن ضربه بزنیم که تصورش را نمی‌کند و از داشته‌های مادی و غیرمادی او علیه خودش استفاده کنیم. سردار در پاسخ به پرسش ایسنا درباره اینکه با توجه به بیانات اخیر رهبر انقلاب مبنی بر ضرورت پاسخ فوری و اثرگذار به هر سطح و نوعی از تهدید، بدون محدودیت جغرافیایی، آیا محدودیت برد موشک‌های ایران برداشته شده است، تصریح کرد: این محدودیت برای ما برداشته شده است اما باید در عمل از این قابلیت‌ها رونمایی کنیم و پیش از آن نباید صرفاً شعار بدهیم؛ چراکه وظیفه ما این است که توانمندی‌های خود را در میدان عمل نشان دهیم. سردار محبی با اشاره به عملکرد نیروهای مسلح در جنگ اخیر گفت: همان‌طور که در این جنگ نیز اتفاق افتاد، ما در عمل دشمن را زمین‌گیر کردیم. تصور دشمن این بود که می‌تواند طی دو تا سه روز ایران را وادار به تسلیم و تجزیه کند و نظام را تغییر دهد اما در عمل دید که چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. همین چند روز پیش نیز شنیدید که ترامپ اعلام کرد ایران کشور بسیار قدرتمندی است و تصور نمی‌کرده که ایران چنین قدرتی داشته باشد؛ این موضوع به راهبرد ما برای نشان دادن توانمندی‌ها در میدان عمل بازمی‌گردد.

نکته

## سیرک پهلوی در فرانکفورت هم خریداری نداشت

فاطمه بصیری

دورهمی تفاله‌های سلطنت در تلاش برای زنده کردن نقش پهلوی و برجسته کردن مزدوران مسلح داخلی، این بار در فرانکفورت به یک آبروریزی مجدد برای این خاندان تروریست تبدیل شد. به تازگی یک بنیاد معلوم‌الحال آلمانی به نام فریدریش نائومان تصمیم گرفت که جایزه‌ای تحت عنوان جعلی آزادی را به پهلوی، آن هم به طور امانی، اعطا کند. سابقه اعطای جوایز سیاسی این بنیاد به چهره‌های اپوزیسیون نشان می‌دهد این جوایز به جای قدردانی از آزادی‌خواهی، بیشتر شبیه ابزارسازی سیاسی و اعتبارسازی نمایشی برای مخالفان حکومت‌هاست.

جالب آنجاست که آلمان اجازه سخنرانی به پهلوی‌ها را در تجمعات این مراسم نداده است. یاسمین پهلوی که با انتشار پیامی از اعطای این جایزه به رضا پهلوی در شهر فرانکفورت آلمان خبر داد در ادامه مدعی شد پلیس آلمان به آنها اطلاع داده است که اجازه حضور در این تجمع و سخنرانی در آن را ندارند. او برای سرپوش نهادن به تکرار افتضاحات گذشته، دلیل این تصمیم را تهدیدهایی مبنی بر هدف قرار دادن محل برگزاری تجمع، همراه با غیرنظامیان حاضر در آن، در صورت حضور رضا پهلوی عنوان کرد. اما چند ساعت بعد، دفتر رسانه‌ای رضا پهلوی در تقلا برای عبور از ممانعت دولت آلمان برای سخنرانی در تجمعات، اعلام کرد که او همچنان مصمم به حضور در تجمع است و تیمش برای هماهنگی با پلیس و مقام‌های امنیتی تلاش می‌کند. اقدامی که نشان می‌دهد ساز و کار آلمان گرچه ضریب دادن به عناصر پهلوی برای مقابله با جمهوری اسلامی است، در بطن خود، نشان‌دهنده فاصله میان فضاسازی‌های سیاسی حامیان پهلوی و رویکرد عملی نهادهای آلمانی در قبال اوست. از طرف دیگر، حادثه تحقیرآمیز ریختن سس گوجه روی لباس پهلوی توسط یک معترض به همراه سخنرانی در پشت دیوار تمام‌قد شیشه‌ای در اردیبهشت ماه در مونیخ، آن‌قدر فاجعه‌بار بود که یک رسانه آلمانی آن را «یک رسوایی برای ولیعهد تبعیدی ایران» نامید. در همین رابطه، روز گذشته کارشناس اینترنشنال با ابراز ناراحتی از سوخته شدن رضا پهلوی گفت هر حضور او در آلمان با حادثه همراه بوده است: از بی‌نظمی پلیس و حمله با رنگ خوراکی تا ممنوعیت سخنرانی اخیر. به گفته او، مشکل تأمین امنیت نیست، بلکه خواست سیاسی برلین است که با جدی گرفتن تهدید جمهوری اسلامی، صدای ایرانیان (یا همان وطن‌فروشان ضدایرانی) را محدود می‌کند.

آنچه مشخص است پس از ناکامی امریکا در جنگ، سیرک دوباره پهلوی‌ها در اروپا برای جلب حمایت دولت‌های اروپایی برای جنگ و آشوب فعال شده است. اما در عمل، دوره‌گردی این خاندان تروریست هنوز به مرحله اجرای نمایش نرسیده، رسوایی جدیدی برای آنها رقم زد. برگزاری این مراسم با اعتراضات برخی از مقامات و احزاب آلمانی همراه بوده و آنها نسبت به پیامدهای سیاسی چنین تصمیمی هشدار دادند و برخی خواستار لغو آن شدند. رئیس پیشین پارلمان، وزیر پیشین دادگستری و سفیر پیشین آلمان در سازمان ملل به همراه برخی احزاب آلمانی اعلام کردند که اعطای جایزه‌ای به نام مردم ایران به فرزند آخرین شاه ایران، که شخصیتی به‌شدت مناقشه‌برانگیز است، با ارزش‌های مورد ادعای بنیاد سازگاری ندارد. برخی مقامات شهرداری فرانکفورت نیز با برگزاری مراسم در کلیسای پاول فرانکفورت که نماد تاریخی حاکمیت مردم در این کشور است، مخالفت کردند. گرچه بین‌المللی کردن موضوع تغییر حکومت در ایران، یکی از اهدافی است که دولت‌های اروپایی دنبال می‌کنند، اما آگاهی از ناکارآمدی جریان پهلوی و سوختن این مهره سیاسی، در کنار ملاحظات بین‌المللی و هزینه‌های احتمالی مقابله مستقیم سیاسی با جمهوری اسلامی، موجب شده که این دولت‌ها به اقدامات محدود و کم‌هزینه بسنده کنند. برگزاری نشست‌ها و سخنرانی‌های ضدایرانی در محافل محدود و در پستوهای پارلمانی چون سوئد، به نمایشی تبلیغاتی برای روحیه‌بخشی به عناصر ضدایرانی و وطن‌فروش شباهت دارد. نمایشی که در آن، دولت‌های اروپایی از ورود به مراحل پرهزینه‌تر و علنی‌تر این قبیل پروژه‌های شکست‌خورده مانند آشوب دی ماه سال گذشته اجتناب می‌کنند. یکی از دلایل اقدامات اخیر پهلوی برای عرض اندام در محافل سیاسی اروپایی تلاش برای ایجاد آشوب داخلی و جلب حمایت آنها برای جنگ با ایران است. رضا پهلوی در سفر اخیر به بروکسل، خطاب به اتحادیه اروپا خواستار ایجاد فشار هر چه بیشتر اقتصادی به مردم ایران شد، اقدامی که می‌تواند زمینه‌ساز ناآرامی و آشوب‌های خیابانی شود و جنگ و بمباران ایران که وی خواستار آن بود را نتیجه‌بخش‌تر کند. از طرف دیگر، آنچه در بیانیه این بنیاد آلمانی موجود است نوعی حمایت از تحرکات مزدوران مسلح داخلی تحت عنوان معترضان بود. از این رو، عنوان کردن آزادی برای ایران، تنفس مصنوعی به جریانات آشوب‌طلب داخلی برای اجرای دوباره اقدامات تروریستی در ایران محسوب می‌شود.

دریافت جایزه از سوی بنیاد آلمانی شکاف‌های درونی جریانات ضدایرانی را آشکار ساخت. منافقین و تجزیه‌طلبان که او را یک دیکتاتور مانند پدرش خواندند، با موضعی شدیداً اعتراضی نسبت به اعطای جایزه به پهلوی خواستار تجدیدنظر فوری در این تصمیم شده‌اند. کسانی که نتوانسته‌اند سهم خود از جنایات علیه ایران را از کارفرمایانشان بگیرند، از اینکه یک تروریست دیگر به‌جای آنان صاحب جایزه شده و خودشان نادیده گرفته می‌شوند، عصبی و ناراضی شدند. البته این سرانجام همه وابستگان و دنباله‌روان غرب است. همچنان که تاریخ پهلوی‌ها نشان می‌دهد، آنان هرگاه به کار گرفته می‌شوند، به‌راحتی کنار گذاشته می‌شوند و امروز نیز تاریخ مصرفشان به‌عنوان عروسک خیمه‌شب‌بازی برای نمادسازی معتبر است.

## یادداشت

### ایران و معادلات نوین قدرت در جهان



علی حسن حیدری
کارشناس سیاسی

پایان افسانه شکست‌ناپذیری امریکا، از مهم‌ترین پیامدهای راهبردی ایستادگی ملت ایران در برابر فشارها، تهدیدها و مداخلات مستمر این کشور است؛ تحولی که اهمیت آن را نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک تقابل دوجانبه یا یک رویارویی مقطعی ارزیابی کرد. امریکا طی دهه‌ها تلاش کرده است با اتکا به برتری نظامی، اقتصادی و فناوری و از طریق نمایش قدرت و ایجاد هراس در میان رقبا و دولت‌ها، تصویری از اقتدار بی‌رقیب و توانایی تحمیل اراده خود بسازد. این تصویر، به‌تدریج به یکی از پایه‌های اصلی هژمونی و بازدارندگی روانی واشینگتن تبدیل شده است؛ اما ایستادگی ایران و ناکامی امریکا در دستیابی به اهداف و تحمیل اراده خود، اعتبار این الگوی قدرت را با چالشی جدی مواجه کرده است.

اهمیت این تحول در آن است که تزلزل افسانه شکست‌ناپذیری امریکا، صرفاً به معنای کاهش اعتبار سیاسی این کشور نیست، بلکه نشان‌دهنده محدودیت قدرتی است که سال‌ها با اتکا به ارعاب، تهدید، تحریم، مداخله و فشار نظامی در پی مهار اراده ملت‌ها بوده است. تجربه جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که برخورداری یک قدرت از امکانات گسترده نظامی و اقتصادی، لزوماً به معنای توانایی آن برای تحمیل اراده سیاسی بر ملت‌های مستقل نیست. هنگامی که یک ملت با تکیه بر هویت ملی، انسجام اجتماعی، استقلال سیاسی و اراده مقاومت، در برابر فشارهای یک قدرت جهانی ایستادگی می‌کند، محاسبات طرف مقابل نیز با محدودیت مواجه می‌شود. از این منظر، ایستادگی ایران تنها دفاع از منافع و حاکمیت ملی خود نیست، بلکه به چالش کشیدن این تصور است که قدرت‌های بزرگ همواره قادرند سرنوشت ملت‌ها را مطابق خواست خود تعیین کنند. این واقعیت در جغرافیای راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز، به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت راهبردی ایران، ابعاد روشن‌تری پیدا می‌کند. موقعیت ممتاز ایران در این منطقه، معادلات امنیتی خلیج فارس را به‌گونه‌ای رقم می‌زند که هیچ ترتیبات پایداری نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه ایران شکل بگیرد. از همین رو، حضور نظامی امریکا در منطقه، به‌تنهایی نه تضمین‌کننده امنیت متحدان این کشور است و نه به معنای برخورداری واشینگتن از اختیار مطلق در مدیریت تحولات خلیج فارس، زیرا تحولات منطقه بار دیگر محدودیت تضمین‌های امنیتی قدرت‌های بزرگ را آشکار کرده است. حمایت امریکا از متحدانش، برخلاف تبلیغات سیاسی، تابع منافع و محاسبات راهبردی آن کشور است و در شرایطی که هزینه حمایت از منافع موردنظر افزایش یابد، اولویت‌های واشینگتن نیز تغییر خواهد کرد.

بنابراین، حکومت‌هایی که امنیت و بقای خود را به قدرت‌های خارجی گره زده‌اند، در بزنگاه‌های حساس با آسیب‌پذیری جدی مواجه خواهند شد، زیرا هیچ حمایت خارجی نمی‌تواند جایگزین مشروعیت سیاسی، پشتوانه مردمی، انسجام ملی و توانمندی‌های درونی شود. در چنین شرایطی، وحدت و همگرایی جبهه مقاومت و پیوند میان عرصه‌های مختلف آن، از فلسطین و لبنان تا عراق و یمن، در تقابل گسترده‌تر میان سلطه‌طلبی خارجی و اراده ملت‌ها برای استقلال، جایگاهی راهبردی پیدا کرده است و مفهوم جهاد و مبارزه با استکبار در این چارچوب، بیانگر رویکردی مبتنی بر نفی سلطه‌پذیری و دفاع از استقلال و حقوق ملت‌هاست. مجموع این تحولات را باید در بستر دگرگونی نظم جهانی و محدود شدن یکجانبه‌گرایی امریکا ارزیابی کرد. این روند نشان می‌دهد که امکان انحصار قدرت و تعیین یکجانبه قواعد بین‌المللی به شدت محدود شده است و در مقابل، شکل‌گیری نظم جدید جهانی و حرکت تدریجی به سوی جهان چندقطبی، فرصت بیشتری برای نقش‌آفرینی کشورهایی که بر استقلال راهبردی و اتکا به ظرفیت‌های داخلی تأکید دارند، فراهم می‌کند. با این حال، تضعیف هژمونی امریکا و افول اعتبار افسانه شکست‌ناپذیری آن، به‌خودی‌خود تضمین‌کننده تحقق نظم عادلانه‌تر نیست. تبدیل این تحول به دستاوردی پایدار، مستلزم وحدت ملی، استقامت، خودباوری، توکل، فداکاری و تقویت توان اقتصادی، علمی، فناوری و دفاعی کشورهاست. مقاومت زمانی به اقتدار پایدار منجر می‌شود که با عقلانیت راهبردی، انسجام داخلی و برخورداری از پشتوانه مردمی همراه باشد. از همین منظر، پاسخ به تجاوز و زیاده‌خواهی امریکا نیز باید در چارچوب دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و حقوق ملت مظلوم مقتدر ایران اسلامی با قدرت و اقتدار داده شود. نکته پایانی اینکه پایان افسانه شکست‌ناپذیری امریکا را باید نشانه‌ای از تغییر در معادلات قدرت و گشوده‌شدن افق‌های تازه در نظم جهانی دانست؛ تغییری که از ایستادگی ملت ایران آغاز شده، در جایگاه راهبردی نظام اسلامی در منطقه و همگرایی جبهه مقاومت بازتاب یافته و در سطح جهانی با افول یکجانبه‌گرایی امریکا پیوند خورده است. آنچه این روند را به واقعیتی ماندگار تبدیل می‌کند، استمرار وحدت، استقامت و تقویت توانمندی‌های ملی است. این همان نقطه‌ای است که در آن، افول افسانه قدرت مطلق و طلوع اراده ملت‌ها به یکدیگر پیوند می‌خورند؛ چراکه به تعبیر قرآنی، «إِنَّ الباطِلَ كانَ زَهوقاً».

ویژه

### مسجد آنگاه که بی‌حجاب‌ها مشتاقش می‌شوند!

در یکی، دو سال اخیر ورود زنان بی‌حجاب به مسجد، امامزاده، حسینیه و اماکن مذهبی به بهانه حضور در مراسم ختم عادی شده است. برخی مساجد سالن‌های مخصوص برای مراسم ختم دارند که آن را کرایه می‌دهند. برخی سالن‌ها کاملاً بخشی از مسجد یا امامزاده است. اکنون اگر در ترکیه یا فرانسه زنی بی‌حجاب بخواهد مثلاً در قامت یک توریست وارد مسجد شود، به او روسری می‌دهند و «متولی» مسجد و امامزاده «حرمت» آن را نگه می‌دارد و می‌گوید ورود به مسجد قانون خودش را دارد. متأسفانه متولی‌های مساجد و امامزاده‌ها این «حداقل» را نیز رعایت نمی‌کنند. دلایل هم مادی یا مزخرف است. یا چون پول خوب برای کرایه می‌گیرند، حرمت مسجد و امامزاده را خود زیرپا می‌گذارند یا مزخرفاتی می‌بافند که مثلاً «اگر از ابتدا بگوییم بدون حجاب نیایید، می‌روند سالن می‌گیرند و مسجد از همین آمد و شد مسلمین هم خالی می‌شود»!

این‌ها بهانه‌های بدترکیب است، بدترکیب درست مثل ترکیب چهره و آرایش و لباس برخی که فقط آن ترکیب خاص را برای مراسمات عزا درمی‌آورند. هنرمندان بزرگی از دنیا می‌روند که متأسفانه نه مردم و نه حتی همبازی‌های آنان در فیلم‌ها و دوستان نزدیک‌شان کمتر به مراسم عزای آنان می‌آیند تا جایی که یک هنر